

دکتر نیلی:

# درآمد ارزی در سال آینده ۱۵ تا ۱۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود

اشناره:

بودجه، دورنمای اقتصاد کشور در یک سال را به تصویر می‌کشند و شمایی از مخارج و هزینه‌های دولت، اهداف و برنامه‌هایی که دنبال می‌کند را نشان می‌دهد که خواه و ناخواه ارزیابی بودجه توسط فعالان و کارآفرینان اقتصادی، واکنش‌هایی را به دنبال خواهد داشت.

لایحه بودجه سال ۷۸ چندی پیش از سوی ریاست جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شد. بودجه سال ۷۸ در شرایطی تنظیم شده که بهای نفت (مهم‌ترین منبع درآمد ارزی کشور) به کمترین در ۱۲ سال اخیر رسیده و رکود اقتصادی که در جهان حاکم شده، آثار جانبی خود را بر اقتصاد ایران نیز نشان داده است.

بررسی تحلیلی بودجه ۷۸ و به‌ویژه بازتاب‌های قابل پیش‌بینی و ارزیابی آن در بخش بازرگانی از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا از یک سو واردات روند تولید داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر صادرات می‌تواند تنگناهای ارزی کشور را برطرف سازد.

به‌همین منظور خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» با دکتر مسعود نیلی معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، گفت‌وگویی انجام داده است که با هم خواهیم خواند.

## ■ در لایحه بودجه سال ۷۸ وضع درآمدها و هزینه‌های ارزی کشور چگونه پیش‌بینی شده است؟

بهای هر بشکه نفت خام صادراتی ایران در لایحه بودجه ۷۸ به میزان ۱۱/۸۰ دلار پیش‌بینی شده و بر این اساس درآمد حاصل از صادرات نفت نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار منظور شده است.

حدود یک میلیارد و ۱۴۲ میلیون دلار برای بازپرداخت تعهدات خارجی، هزینه خواهد شد و بقیه درآمد نفتی قابل هزینه‌سازی و ایجاد تعهد برای بانک

مرکزی می‌باشد. به عبارت دیگر مابه‌التفاوت درآمد حاصل از صادرات نفت و پرداخت تعهدات خارجی برای هزینه‌های ارزی در نظر گرفته شده است.

## ■ آیا درآمدهای نفتی و مالیاتی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۷۸ قابل تحقق است؟ اگر این درآمدها تحقق نیابد و بودجه با کسری روبه‌رو شود، چه راهکارهایی قابل پیش‌بینی است؟

با توجه به آنکه فاصله زمانی با تقدیم لایحه بودجه ۷۸ به مجلس شورای اسلامی نداریم، فرض بر این است که اگر

برآوردی برای عدم تحقق درآمدها وجود داشته، علی‌الاصول دولت آن را منظور نموده است. ما لایحه بودجه را تنظیم و به مجلس ارائه کردیم و لذا نمی‌توانیم الان خود فرض را بر تحقق نیافتن درآمدها بگذاریم و برای تأمین کسری احتمالی بودجه پیش‌بینی کنیم.

هنگام تنظیم بودجه در بخش درآمدها و هزینه‌ها، ارقام قابل تحقق برآورد می‌شود. آنچه سپس مطرح می‌شود، آن است که در طول اجرای بودجه، اتفاق‌هایی رخ دهد که ارقام با برآوردهای پیش‌بینی شده در بودجه،

فاصله پیدا کند که در این صورت دولت باید ببیند که چه کار کند. مانند آنچه امسال اتفاق افتاد. دولت پس از آنکه مشاهده کرد، فروض پیش‌بینی شده در بودجه ۷۷ نسبت به آنچه اتفاق می‌افتد، فاصله دارد، اصلاحیه بودجه را تنظیم کرد. با این وصف اکنون نمی‌توانیم فرض را بر این گذاریم که ارقام درآمدی تحقق نخواهد یافت، بلکه امیدوار هستیم در واقع این درآمدها تحقق پیدا کند.

**با توجه به پیش‌بینی قیمت نفت در حد هر بشکه ۱۱/۸۰ دلار، وضع تراز بازرگانی و حساب جاری کشور در سال آینده چگونه خواهد بود؟**

با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده در نیمه نخست سال جاری در بخش توسعه صادرات غیرنفتی که از سوی هیأت دولت اتخاذ شد و اکنون به تدریج آثار خود را در افزایش صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد، امیدوار هستیم وضع صادرات غیرنفتی در سال آینده به طور قابل توجهی بهبود یابد. کم‌اینکه در ابتدای سال جاری وزارت بازرگانی پیشنهادهای خود را برای بهبود وضع صادرات غیرنفتی به هیأت دولت ارائه کرد و برآورد می‌شد ارزش صادرات غیرنفتی در سال جاری تا نزدیک پنج میلیارد دلار تحقق پیدا کند.

به نظر می‌رسد ایجاد اعتماد و اطمینان در صادرکنندگان نسبت به تداوم اجرای سیاست‌های اعلام شده و سودآور بودن آنها، مقداری زمان می‌برد. فرض بر این است که آثار این سیاست‌ها در سال آینده ظاهر شود. در این صورت وضع به نسبت نامطلوبی که از سال ۱۳۷۴ به بعد در بخش صادرات غیرنفتی داشتیم، از بسین خواهد رفت و بار دیگر روند افزایشی خواهد داشت. امیدوار هستیم این امر بتواند کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت را جبران کند و منابع ارزی کشور بهبود یابد.

در واقع دولت در بخش تراز بازرگانی در چارچوب منابع و امکانات خود هزینه می‌کند. لذا انتظار نداریم به میزان قابل توجه کسری در تراز بازرگانی داشته باشیم، البته به قیمت فشار آوردن بر واردات.

**کارشاسان پیش‌بینی می‌کنند که تراز تجارت خارجی در سال آینده با بیش از یک میلیارد دلار کسری روبه‌رو خواهیم شد. نظر شما چیست؟**

امیدوار هستیم با تداوم سیاست‌های پیش‌بینی شده برای توسعه صادرات غیرنفتی، ارزش صادرات این کالاها در سال آینده به چهار میلیارد دلار برسد. این سیاست‌ها در چارچوب طرح ساماندهی اقتصادی کشور با هدف رشد صادرات غیرنفتی پیش‌بینی شد و به دو جنبه افزایش درآمدهای حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی و نیز تأثیر بازگشت ارز حاصل از صادرات به اقتصاد کشور توجه دارد. با مقررات‌زدایی، تسهیل شیوه‌های اداری و سودآورتر کردن فعالیت‌های بازرگانی در بخش غیرنفتی، امیدوار هستیم درآمدهای ارزی بیشتری را در سال آینده کسب کنیم و این درآمدها وارد اقتصاد کشور شود و منشأ رفاه بیشتر برای جامعه باشد.

**در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ جداسازی سیاست‌های پولی و مالی از یکدیگر چگونه دیده شده و چه آثاری به دنبال خواهد داشت؟**

در تنظیم بودجه‌های سالانه در سال‌های گذشته، روالی ایجاد شده که آن قرار دادن تکالیفی در قالب تبصره‌های بودجه و ارائه تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی (اعم از دولتی یا خصوصی) بوده است، که از آنها با عنوان «تسهیلات تکلیفی» یاد می‌شود.

منشأ پیدایش تسهیلات تکلیفی نیز حذف کسری بودجه دولت بود. به عبارت دیگر دولت تا سال‌های نخست

اجرای دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی با کسری بودجه مواجه بود که از طریق استقراض از بانک مرکزی در قوانین بودجه درج می‌شد. در این دوره زمانی دولت به طور مستقیم از بانک مرکزی قرض می‌کرد، با عنایت به سیاستی که در برنامه پیش‌بینی شده بود، مبنی بر آنکه استقراض دولت از بانک مرکزی به تدریج حذف شود، این کسری در قالب ایجاد یک سری تکالیف برای سیستم بانکی دیده شد. بر این مبنای قانون‌گذار تکالیفی را به عهده دولت می‌گذاشت که سیستم بانکی ناچار بود تسهیلات موردنیاز آن را به بخش‌های اقتصادی تخصیص دهد.

در لایحه بودجه ۷۷ که در سال جاری اجرا می‌شود، تمام تبصره‌های تکلیفی در قالب تبصره ۳ قانون بودجه متمرکز شد و هدف نیز آن است که به تدریج و در قالب چند قانون بودجه سهم تسهیلات تکلیفی را کاهش دهیم و در نهایت حذف کنیم، طوری که سیستم بانکی بتواند عملکرد پولی خود را داشته باشد و دولت نیز منابع موردنیاز خود را از درآمدهای پیش‌بینی شده در قوانین بودجه تأمین کند.

نقطه شروع این اقدام سال گذشته بود و سقف تسهیلات تکلیفی در حد قابل توجهی کاهش داده شد. در واقع سهم دولت در تضمین تعهداتی که به عهده بانک مرکزی و سیستم بانکی بود، کاهش یافت. این روند در سال جاری نیز در بودجه ۷۸ پیش‌بینی شده است. در تبصره ۳ لایحه بودجه ۷۸ سهم بخش دولتی از تسهیلات به تدریج کاهش می‌یابد. این سهم در سال جاری ۳۵ درصد است، در حالی که در سال گذشته ۴۵ درصد بود.

کاهش میزان تسهیلات تکلیفی و سهم دولت در تسهیلات اعطایی بانک‌ها نشان‌دهنده روندی است که به تدریج سهم

بخش غیردولتی در تسهیلات اعتباری سیستم بانکی افزایش یابد و این بخش بتواند از تسهیلات بانکها استفاده کند. در همین حال فعالیت دولت نیز در قالب بودجه تعریف شود.

در لایحه بودجه ۷۸ تسهیلات اعطایی بانکها ۶ هزار میلیارد ریال پیشبینی شده که ۳۵ درصد آن را بخش دولتی و ۶۵ درصد آن را بخش

خصوصی استفاده خواهد کرد. این امر بیانگر سیاست‌گذاری دیگری از سوی دولت است که به تدریج بخش خصوصی بتواند از تسهیلات اعطایی بانکها بیشتر استفاده کند و در عمل سیستم پولی کشور به نحوی عمل کند که به تدریج تأثیرپذیری بخش پولی از بخش مالی کمتر شود.

### ■ چه میزان از تسهیلات اعتباری بانکها در سال آینده در اختیار بخش بازرگانی قرار خواهد گرفت؟

در قالب تبصره ۳ توزیع اعتبارات نظام بانکی بین بخش‌های مختلف اقتصادی به عهده شورای پول و اعتبار است که می‌بایست پس از تصویب قانون بودجه ۷۸ و تا فروردین ۷۸ توزیع اعتبارات میان بخش‌ها را معین و اعلام کند، تا مشخص گردد که هر بخش اقتصاد تا چه سقفی می‌تواند از اعتبارات جدید بهره‌مند گردد.

### ■ راه‌های تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام که غالب آنها با رکود فعالیت روبه‌رو شده‌اند، چیست و در بودجه ۷۸ چگونه دیده شده است؟

موضوع تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام از مسایل جدی اقتصاد کشور است. به دنبال افت قیمت نفت در بازارهای جهانی از یک سال پیش و نیز

کاهش درآمدهای ریالی دولت، تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام با دشواری روبه‌رو شده است. به‌ویژه آنکه حجم بسیاری از طرح‌های عمرانی به صورت

**○ کاهش میزان تسهیلات تکلیفی و سهم دولت در تسهیلات اعطایی بانکها، نشان‌دهنده روندی است که به تدریج سهم بخش غیردولتی در تسهیلات اعتباری بانکها افزایش یابد و فعالیت دولت نیز در قالب بودجه تعریف شود.**

نیمه‌تمام مانده و برای اتمام آنها منابع مالی قابل توجهی موردنیاز است، دولت ناچار شد طرح‌های نیمه‌تمام را اولویت بندی کند. طرح‌هایی که پیشرفت فیزیکی قابل توجهی داشتند، یا طرح‌هایی که به لحاظ نتایج آنها پس از بهره‌برداری حایز اهمیت بودند را در اولویت قرار دهد و منابع مالی کمتری در اختیار سایر طرح‌های نیمه‌تمام قرار دهد. در این راستا آن گروه از طرح‌های نیمه‌تمام که در اولویت اول قرار گرفتند، در تخصیص اعتبارات عمرانی، بیشترین سهم را به دست آوردند.

در تداوم این وضعیت، طبیعی است که به بخش دیگری از طرح‌های نیمه‌تمام، منابع مالی کمتری اختصاص می‌یابد. در این زمینه دولت دو راه حل را در پیش گرفت: اول انتشار اوراق مشارکت و دوم واگذاری این طرح‌ها.

دولت با این هدف که بتواند به منابع بودجه عمومی کمک کند تا وجوه موردنیاز طرح‌های عمرانی تأمین شود، اقدام به انتشار اوراق مشارکت نمود. در سال گذشته این امر تحقق پیدا کرد و در سال جاری نیز اوراق مشارکت طرح‌های نیمه‌تمام از سوی بانکها عرضه شده است.

از سوی دیگر در تبصره‌های بودجه

سال آینده پیش‌بینی شده که شماری از طرح‌های نیمه‌تمام دولت به بخش غیردولتی واگذار شود. به لحاظ محدودیت منابع، دولت نمی‌تواند این‌گونه طرح‌ها را به

سرعت راه‌اندازی کند. امیدوار هستیم شرایطی فراهم شود تا طرح‌های نیمه‌تمامی که جنبه انتفاعی دارند، به بخش خصوصی واگذار شوند تا هر چه زودتر به بهره‌برداری برسند. البته با توجه به

سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این طرح‌ها، به‌ویژه در زمینه زیربناسازی‌ها، انتظار می‌رود که بخش خصوصی با خرید آنها، بتواند هر چه سریع‌تر طرح‌های مورد بحث را به اتمام رساند.

این شیوه از یک سو سبب می‌شود که باری از تکالیف دولت برداشته شود و از سوی دیگر طرح‌های نیمه‌تمام، سرعت لازم برای تکمیل را بیابند.

### ■ راه‌های تأمین مالی پروژه‌های بخش خصوصی به‌ویژه در بخش بازرگانی (صادرات غیرنفتی، و واردات اقلام ضروری فعالیت‌های تولیدی) چگونه خواهد بود؟

این سه مقوله از یکدیگر جداست. پروژه‌های تجاری بخش خصوصی ارتباط ضعیفی با بودجه عمومی دارند و به عبارت دیگر از طریق بودجه این پروژه‌ها تأمین مالی نمی‌شوند. بخش خصوصی در قالب ارتباط تجاری - اقتصادی خود با سیستم بانکی، تسهیلات موردنیاز را دریافت می‌کند و طرح‌هایش را اجرا می‌نماید.

به‌طور معمول فعالیت دولت غیرمستقیم بر بخش خصوصی اثر می‌گذارد و زمینه فعالیت آن را توسعه می‌دهد و شرایطی را فراهم می‌سازد که هزینه‌های جانبی برای بخش خصوصی

کاهش یابد. از قبیل پروژه‌های مربوط به توسعه بنادر، راهسازی و... که در واقع زیربناها را برای فعالیت تجاری بخش خصوصی با هزینه کمتر فراهم می‌کند.

البسته دولت در مورد صادرات کالاهای غیرنفتی در چارچوب بودجه‌های سالانه معمولاً سعی دارد در قالب بخشی از تسهیلات سیستم بانکی، بخش‌هایی را که نیاز به حمایت دارند را پوشش و ضمانت‌های لازم را ارائه دهد تا صناعی که جنبه نوپا دارند، بتوانند شکل بگیرند و توسعه پیدا کنند. دولت از این طریق حمایت‌های لازم را انجام می‌دهد.

در زمینه واردات کالاهای ضروری بخش تولید، لازم به ذکر است حتی در شرایطی که دولت با محدودیت‌های زیادی مواجه بوده، تلاش کرده که تا حد امکان واردات به‌ویژه مواد اولیه موردنیاز بخش

تولید صورت بگیرد. از آن گذشته دولت ارز موردنیاز واردات ماشین‌آلات سرمایه‌ای را در قالب شیوه‌هایی مانند بیع متقابل (بای‌بک) و تأمین مالی (فاینانس) تأمین می‌کند تا بتواند درآمدهای ارزی جاری را صرف واردات مواد اولیه نماید.

کمبود منابع ارزی کشور سبب شده که در سال‌های گذشته یک الگوی تأمین منابع شکل بگیرد و به تدریج تأمین منابع ارزی موردنیاز سرمایه‌گذاری‌ها از طریق قراردادهای تأمین مالی بلندمدت‌تر صورت گیرد. قراردادهای بیع متقابل (بای‌بک) و تأمین مالی (فاینانس) به اشکال مختلف تنظیم می‌شود. در تبصره ۲۹ بودجه در سال جاری این قراردادها

گسترش پیدا کرده و امیدوار هستیم مجموعه آنها بتواند به حل بخشی از مشکلات فراراه «تولید» و «صنعت» کمک کند.

### ■ رشد اقتصادی ایران در سال آینده را چقدر پیش‌بینی می‌کنید و این مقدار رشد چه میزان واردات را طلب می‌کند؟

اا در ارتباط با میزان واردات متناسب با رشد اقتصادی باید گفت در سیستم اقتصادی کشور ما معکوس عمل می‌شود. یعنی ابتدا مقدار واردات را

○ تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام از مسایل جدی اقتصاد کشور است. دولت ناچار شد این طرح‌ها را اولویت‌بندی کند و منابع بیشتری را به طرح‌های با پیشرفت فیزیکی بیشتر اختصاص دهد. انتشار اوراق مشارکت و نیز واگذاری طرح‌هایی که جنبه انتفاعی دارد نیز از راه‌های تأمین مالی طرح‌های مذکور است که در سال آینده دنبال خواهد شد.

تعیین شده تلقی و بر مبنای آن رشد اقتصادی را محاسبه می‌کنیم. به لحاظ کنترل‌هایی که صورت می‌گیرد، معمولاً رشد اقتصادی تابع حجم تجارت خارجی است. برای مثال در شرایطی که بهای نفت کاهش می‌یابد و منابع ارزی کشور کم می‌شود، واردات کاهش می‌یابد و با توجه به وابستگی ساختار تولید به تجارت خارجی، رشد تولید ناخالص داخلی کشور افت می‌کند.

با توجه به آنکه بازار نفت، بازار قابل اعتمادی نیست، براساس پیش‌بینی شرایطی که ممکن است تحقق پیدا کند برای سال آینده در دامنه ۵/۰ درصد زیر و بالای صفر رشد اقتصادی را پیش‌بینی می‌کنیم. این دامنه، بستگی به وضعیت

بازار نفت دارد. اگر بهای نفت در حد ارقام کنونی (حدود ۱۰ دلار برای هر بشکه) باشد و تداوم پیدا کند، تولید ناخالص داخلی کشور در سال آینده نسبت به سال جاری ۵/۰ درصد کاهش می‌یابد. اما اگر بهای نفت در حد پیش‌بینی شده در بودجه سال آینده (حدود ۱۲ دلار برای هر بشکه) باشد، ممکن است تولید ناخالص داخلی ۵/۰ درصد افزایش یابد.

### ■ سطح تعهدات خارجی ایران در سال آینده با چه تغییراتی روبه‌رو خواهد شد و چه میزان از اعتبارات خارجی استفاده خواهد شد؟

اا بازپرداخت تعهدات خارجی براساس قانون دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، روال تعریف‌شده‌ای دارد و هر سال باید یک میلیارد و ۶۴۳ میلیون دلار کاهش پیدا کند. با وجود تداوم کاهش بهای نفت که به‌طور

طبیعی دولت را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرده است، این رویه همچنان دنبال می‌شود. البته انجام این تعهدات فشارهایی را به دستگاه‌های دولتی و اقتصاد کشور وارد می‌کند.

در زمینه میزان بهره‌گیری از اعتبارات خارجی باید گفت، در تبصره ۲۹ لایحه بودجه پیش‌بینی شده که برای اجرای طرح‌های توسعه میادین نفتی و دیگر طرح‌ها به روش بیع متقابل ۵/۴ میلیارد دلار از منابع خارجی استفاده شود. از آنجا که بازپرداخت این منابع از محل تولیدات آن طرح صورت خواهد گرفت، بنابراین چارچوب استفاده از ۵/۴ میلیارد دلار منابع خارجی، فشاری به نظام بانکی و ارزی کشور وارد نمی‌کند.

در سایر بندهای تبصره ۲۹ لایحه بودجه نیز استفاده از منابع دیگر به صورت «تأمین مالی» (فاینانس) پیش‌بینی شده است. برای تأمین مالی منابع موردنیاز سرمایه‌گذاری در میادین پارس جنوبی ۶۰۰ میلیون دلار به صورت «فاینانس» منظور شده است.

در ضمن برای اجرای طرح‌های پتروشیمی، توسعه معادن و صنایع مس و تولید فرآلیاژها و طرح‌های صنعتی بخش غیردولتی در حدود ۲/۵ میلیارد دلار استفاده از شیوه «تأمین مالی» پیش‌بینی شده است.

همچنین استفاده از ۶۰۰ میلیون دلار منابع خارجی به شیوه «تأمین مالی» (فاینانس) برای اجرای طرح‌های احداث راه‌آهن، ماهواره، توسعه تلفن، تولید تجهیزات مخابراتی و شبکه‌های آبرسانی و زهکشی و آبیاری پیش‌بینی شده است. بنابراین بخش‌های متنوعی از اعتبارات خارجی در چارچوب قراردادهای «تأمین مالی» (فاینانس) بهره‌مند خواهند شد.

دولت با اتخاذ این سیاست، سعی کرده است با رکود اقتصادی که ممکن است عمیق‌تر شود، مقابله کند، آثار کاهش قیمت نفت بر اقتصاد را کم کند و اجرای پروژه‌هایی که از جنبه انتفاعی توجیه خوبی دارند، با استفاده از منابع بین‌المللی تسریع شود و تا حد امکان فشار کمتری به منابع ارزی کشور وارد شود.

### ■ آیا پیش‌فروش نفت در سال آینده انجام خواهد شد و به چه میزان خواهد بود؟

اگر بر مبنای اصلاحیه قانون بودجه ۷۷ پیش‌فروش نفت پیش‌بینی شده که باید صورت گیرد. اگر در سال آینده نیز با

مشکل مواجه شویم، به همین مقدار (یک میلیارد دلار) پیش‌فروش نفت را خواهیم داشت و بعدها منتقل می‌شود به سال بعد. بنابراین اگر دولت ناچار شود در حد سال جاری به پیش‌فروش نفت مبادرت می‌ورزد.

○ در تبصره ۲۹ لایحه بودجه ۷۸، اجرای طرح‌های توسعه میادین نفتی با روش بیع متقابل به ارزش ۵/۴ میلیارد دلار، توسعه میدان پارس جنوبی به صورت فاینانس به میزان ۶۰۰ میلیون دلار و توسعه برفی طرح‌های صنعتی و معدنی به همین شیوه به میزان ۲/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است.

### ■ دولت برای تحرک بخشیدن به تجارت خارجی به ویژه در زمینه صادرات غیرنفتی چه سیاست‌ها و برنامه‌هایی را اعمال خواهد کرد؟

به‌طور اساسی یک جمع‌بندی مشترکی میان مسؤولان اقتصادی کشور، سازمان برنامه و بودجه، وزارت بازرگانی و سایر دستگاه‌های اقتصادی وجود دارد، مبنی بر آنکه «توسعه صادرات غیرنفتی» از راه‌های عمده و اصلی است که می‌تواند در اقتصاد کشور تحرک ایجاد کند.

با توجه به بحث «اقتصاد بدون اتکا به نفت» که چند سال است مطرح شده، اگر بخواهیم این مقوله را به‌طور جدی دنبال کنیم، به‌طور قطع باید سیاست‌هایی را اعمال کنیم تا صادرات غیرنفتی افزایش یابد. اگر سیاست‌های صحیحی اعمال می‌شد، در حال حاضر وضع صادرات غیرنفتی به مراتب بهتر بود. دلایل زیادی هم می‌توان ذکر کرد که به‌طور طبیعی سهم ما از تجارت جهانی در شرایط موجود، خیلی پایین است. اقتصادهایی که در ۱۰ سال اخیر موفق شدند جایگاه خود را در دنیا به میزان قابل توجه و به‌طور جهشی

ارتقاء بخشند، از طریق «صادرات» به این جایگاه رسیده‌اند.

صادرات غیرنفتی برای اقتصاد ایران اشتغال‌زا و مایه بهبود کیفیت تولیدات است. زیرا می‌بایست کالاهای صادراتی مطابق با استانداردهای بین‌المللی عرضه شود. از سوی دیگر سبب می‌شود که سطح دستمزدها در کشور متناسب با سطوح بین‌المللی شود. به عبارت دیگر توسعه صادرات غیرنفتی، سالم‌ترین شیوه و خط مشی است که ایران می‌تواند برای اصلاح ساختار اقتصادی در پیش گیرد.

این ذهنیت به‌طور طبیعی در دولت وجود

دارد و مجموع سیاست‌هایی که هیأت دولت در اواخر سال گذشته و نیمه نخست سال جاری برای رشد صادرات غیرنفتی اتخاذ کرد، به‌نظر می‌رسد که شرایط مقدماتی لازم را برای رشد صادرات غیرنفتی فراهم آورده است. نکته مهم آن است که دولت اعلام کرد این سیاست‌ها با ثبات خواهد بود و تا پایان کار دولت ادامه می‌یابد. لذا صادرکنندگان با اطمینان خاطر از ثبات سیاست‌گذاری می‌توانند عرصه شوند و اعتماد کنند.

اگر علل بی‌ثباتی سیاست‌های بازرگانی در سال‌های گذشته بررسی شود، مشاهده می‌شود یک عامل عمده این بی‌ثباتی آن بوده که وقتی سهم صادرات در تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، بخشی از کالاها و خدمات قابل عرضه به بازار داخلی به بازارهای بین‌المللی ارایه می‌شود و در نتیجه عرضه کالاها در اقتصاد داخلی کاهش و قیمت آن افزایش پیدا می‌کند. این موضوع را باید بسط بدهیم که اگر می‌خواهیم صادرکننده کالا به دنیا باشیم، باید از مصرف بخشی از کالاها در داخل



چشم‌پوشی کنیم و ممکن است عرضه آن در بازار داخلی خیلی کم شود. در مقابل با صدور کالا می‌توان درآمد ارزی وارد اقتصاد کرد و از منافع و تبعات رفاهی آن بهره‌مند گردید.

رسانه‌های گروهی باید به این امر توجه کنند. ما یک بار در سال ۷۳ رشد صادرات غیرنفتی را تجربه کردیم، اما متأسفانه با مسایلی روبه‌رو شدیم. در هر حال باید توجه داشت که

برای رشد صادرات غیرنفتی، باید در بازارهای جهانی حضور داشته باشیم و در بازارهای تازه نفوذ کنیم. باید توجه داشته باشیم که اگر بازاری را به دست آوریم، نباید به هیچ وجه آن را از دست بدهیم و لذا سیاست‌های ما باید به گونه‌ای باشد که مشوق افزایش حضور در بازارهای بین‌المللی باشد.

اگر افکار عمومی به این نکته توجه کند، به‌طور طبیعی دولت با قوت قلب بیشتری سیاست‌هایش را در بخش توسعه صادرات غیرنفتی ادامه خواهد داد.

امیدوار هستیم مجموعه سیاست‌ها بتواند منجر به آن شود که صادرات غیرنفتی در تجارت خارجی سهم عمده‌ای ایفا کند و به تدریج از درآمد نفت فقط برای سرمایه‌گذاری و ایجاد زیربنای اقتصادی استفاده شود.

**■ در طرح ساماندهی اقتصادی چه پیش‌بینی‌هایی برای توسعه صادرات غیرنفتی صورت گرفته است؟ آیا این معیارها کافی و صحیح است و در بودجه سال آینده ملحوظ شده است؟**

!! مبسوط‌ترین مبحث در طرح ساماندهی اقتصادی، بحث صادرات غیرنفتی است. در این طرح گسترده‌ترین،

تفضیلی‌ترین و مشخص‌ترین بخش از سیاست‌ها در مورد توسعه صادرات غیرنفتی است که به مقررات، ضوابط اداری و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های

**○ برای رشد صادرات غیرنفتی در سال آینده، سیاست‌های اتخاذ شده همچنان با ثبات اجرا می‌شوند. امیدوار هستیم مجموعه این سیاست‌ها منجر به افزایش سهم صادرات غیرنفتی در تجارت خارجی شود و به تدریج از درآمد نفت برای سرمایه‌گذاری و ایجاد زیربنای اقتصادی استفاده شود.**

مرتبط با صادرات غیرنفتی توجه ویژه دارد و سعی می‌کند که مشکلاتش را حل کند. در این طرح تلاش شده که مکانیزم‌های اقتصادی برای سودآور شدن صادرات غیرنفتی پیش‌بینی و منظور شود. لذا به نظر می‌رسد تسهیلات زیادی برای سودآوری صادرات در طرح دیده شده است. البته این امر در گرو آن است که صادرکنندگان بالفعل و بالقوه به سیاست‌های دولت اعتماد کنند و منابع خود را وارد این عرصه کنند تا به رشد صادرات غیرنفتی کمک شود.

اما این مقوله که رشد صادرات غیرنفتی چقدر به بودجه کمک می‌کند، همان‌طور که اشاره شد، در بودجه فقط منابع و مصارف دولت منظور می‌شود و لذا نباید از بودجه انتظار زیادی برای رشد صادرات غیرنفتی داشته باشیم. جز در مواردی که به زیربنای لازم مربوط به صادرات غیرنفتی برگردد و با این هدف که هزینه صادرات غیرنفتی کاهش یابد، مانند توسعه بندر، راه‌آهن، گمرک و... دولت به‌طور عمده در سیاست‌ها، مقررات و ضوابط اداری مربوط به صادرات غیرنفتی نقش دارد که بعد بودجه‌ای ندارد. با این حال ممکن است

یک گردش اداری بسیار پیچیده و پرهزینه تعریف شده در یک بخش از فعالیت‌های مربوط به صادرات غیرنفتی، به مانع عمده‌ای تبدیل شود. در طرح ساماندهی اقتصادی سعی شده این‌گونه موانع برطرف شود. در واقع تداوم سیاست‌ها و یا اصلاح آنها در گرو آن می‌باشد که صادرکنندگان با مشکلات مواجه شوند و این مشکلات از طریق مرکز توسعه صادرات به بخش بازرگانی کشور منعکس گردد تا سیاست‌ها اصلاح شوند.

با این وجود باید مطمئن بود که دولت در توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش منابع ارزی حاصل از آن، کاملاً جدی است. این موضوع که دولت سیاست‌هایش را در بخش صادرات غیرنفتی چگونه دنبال خواهد کرد نیز به ارتباط مستمر دستگاه سیاست‌گذار دولت و صادرکنندگان برمی‌گردد که تا چه حد این ارتباط برقرار باشد و سیاست مرتب و مداوم اصلاح شوند و نقش خود را در توسعه صادرات غیرنفتی ایفا کنند.

**■ مجموع منابع ارزی قابل تحصیل برای سال آینده چه میزان است؟**

!! اگر ارزش صادرات نفت را حدود ۱۱ میلیارد دلار، صادرات کالاهای غیرنفتی را ۴ میلیارد دلار و ارزش صدور خدمات را حدود یک تا ۲ میلیارد دلار منظور کنیم، مجموع ارز قابل تحصیل اقتصاد کشور ۱۶ تا ۱۷ میلیارد دلار خواهد بود. در ضمن تغییرات در تراز پرداخت‌ها نیز به این امر بستگی خواهد داشت که چقدر از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به اقتصاد کشور بازگردد.